

بررسی تطبیقی نوستالوژی در اشعار حمید مصدق و نزار قبانی

مهناز فقهی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

نوستالوژی احساس درونی تلخ و شیرین نسبت به اشیا و اشخاص و موقعیت های گذشته است. واژه نامه ی انگلیسی آکسفورد نوستالوژی را شکلی از دلتنگی که ناشی از دوری طولانی از زادگاه است، تعریف کرده است. نخستین بار یک پزشک سوئیس به نام جوهانس هوفر در مقاله ای که برای توصیف حالات روحی دو بیمار منتشر کرد این واژه را ساخت و به کار برد. از دیرباز نوستالوژی در دیوان های رنگارنگ شاعران فارسی و غیر فارسی زبان نمود داشته است، شاعران معاصر نیز همواره از غم ها و دردهای نهفته در وجودشان گفته اند. این ویژگی در اشعار حمید مصدق و نزار قبانی دو شاعر نامدار ادبیات معاصر فارسی و عربی تقریباً به گونه ای یکسان نمود یافته است. پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی جلوه های نوستالوژی در مجموعه ی اشعار دو سراینده مذکور را مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: حمید مصدق، نزار قبانی، نوستالوژی فردی، نوستالوژی جمعی، مجموعه اشعار

مقدمه:

غم ها و شادی ها همواره وجود انسانها را تحت تاثیر قرار می دهند، صحبت کردن از رنج ها از درد انسان می کاهد و مخاطبان را به همدردی و همدلی با گوینده یا نویسنده وادار می کند و شرایطی فراهم می سازد که مخاطب آگاهی بیشتری از مسائل جامعه کسب کند و اگر بتواند برای رفع مشکلات و دردهای دیگران به آنها کمک کند، گاهی این رنج ها شخصی و گاهی اجتماعی می باشد. هر نویسنده یا شاعر زبردستی در کنار دردهای شخصی خود گوشه ای از مسائل اجتماعی را مد نظر داشته است و از ذکر آن غفلت نورزیده است. قلم توانای نویسندگان و شاعران از دیرباز به رفع این مشکلات و ایجاد انگیزه در مردم فرسوده شده و حقیقتاً پشت هر کلمه ای که ایراد شده این حس نهفته است. شنیدن یا خواندن دردها هر چند که برای مخاطب خوشایند نیست اما برای صاحب نظران اظهار این حس چون با اهداف والای صاحب اثر همراه می باشد راهگشای مشکلات اجتماع و حتی مشکلات شخصی می باشد. آثار ادبی گذشته و معاصر ما سرشار از غم ها و شادیهاست. هر

اثر ادبی که با ذات شاعر یا نویسنده سروکار داشته باشد و به حقیقت نزدیک، مسلمان خوانندگان بی شماری را مجذوب می کند بنابراین احساسات تلخ و شیرین که از سویی مولفان واز سوی دیگر مخاطبان را درگیر می کند روابط عمیقی بین این دو گروه ایجاد کرده که در نهایت به رضایت طرفین اثر می انجامد. بیان این احساسات فقط مختص شعر فارسی نیست شعر عربی نیز سرشار از مضمون نوستالوژی و دلتنگی است؛ جنگ های داخلی و خارجی، زور و استبداد حاکمان عربی، فضای خفقان و ترس حاکم بر جامعه و ... همگی در به وجود آمدن احساس غربت و نوستالوژی در شاعران و نویسندگان عربی تاثیر داشت و آنها نیز این احساس را به خوبی در آثار خود به اشکال و صورت های گوناگون انعکاس دادند (حسین پناهی، ۱۳۹۱). در این مقاله ابتدا نوستالوژی را تعریف کرده آن گاه آثار دو شاعر معاصر فارسی و عربی؛ حمید مصدق و نزار قبانی که عمده اشعار آن ها نوستالوژیک است را جداگانه مورد بررسی قرار داده وجوه افتراق و اشتراک آنها را از این دیدگاه تحلیل خواهیم کرد.

از اولین زمانهای تکوین و تطور زبان فارسی تاکنون، شاعران در بطن و متن جامعه حاضر و ناظر بوده اند، رنج ها برده، سختی ها کشیده گرسنگی ها و تحقیر ها تحمل کرده اما هرگز از شاعری دست نکشیده اند، زندانها و زنجیرها و شهادت ها و قربانی شدن ها را خریدار شده اند اما به کار سترگ و هدف والای خود وفادار مانده اند. شاعران در طول تاریخ سختی ها و رنج ها و محرومیت های زیادی کشیده اند، شاعران و ناظران و ستایشگران درباری علی رغم همه مبالغه های تنگ نظرانه ای که صاحبان تذکره ها و تراجم احوال ویا مورخین متملق درباری کرده اند از جهات عدیده مورد رنج و تعب و محرومیت قرار داشته اند. ابو شکور بلخی شاعر مشهور نیمه ی اول قرن چهارم هجری صاحب منظومه ی معروف آفرین نامه که بدون شک یکی از پیش قراولان و پیشاهنگان شعر پارسی است می گوید:

اگرغم را چو آتش دود بودی جهان تاریک بودی جاودانه

سراسر گرد گیتی گر بگردی هنرمندی نیایی شادمانه

رنجی که ابوشکور از آن سخن به میان می آورد رنجی منبعت از کمبودهای مادی و مضایق معیشتی نیست بلکه رنجیست برآمده از